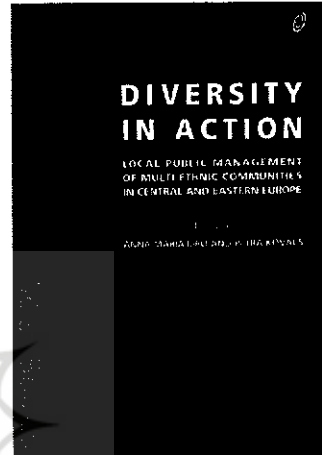


خانم "پتراکواچ" مدیر پروژه مدیریت جوامع چندقومی در ابتکار حکومت محلی (LGI)^۱ در انستیتو جامعه باز است. حوزه مطالعاتی اش، مدیریت جوامع چندقومی - تجزیه و تحلیل سیاستگذاری عمومی و دسترسی اقلیت‌ها به خدمات دولتی است. خانم آناماریا بیرو نیز مدیر پروژه اروپای شرقی و مرکزی در دفتر هماهنگی گروه بین‌المللی حقوق اقلیت‌هاست و متخصص حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها می‌باشد. انستیتو جامعه باز یکی از برنامه‌هایش را در جهت حمایت از حکومتداری مطلوب^۲ در اروپای شرقی و کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق قرار داده است. این برنامه، که هدف آن تحقیق و تتبع در زمینه توسعه و حمایت از فعالیت‌های معطوف به تمرکززدایی، اصلاح اداری و سیاستگذاری و هم‌چنین اصلاحات اداری گفته شده است، به اختصار (LGI) یعنی ابتکار اصلاح حکومت محلی و خدمات



تنوع در عمل: مدیریت حکومت محلی در جوامع چندقومی اروپای شرقی و مرکزی

Anna - Maria Biro and Petra Kovacs (eds.), *Diversity in Action: Local Public Management of Multi - Ethnic Communities in Central and Eastern Europe*, (Budapest: Open Society Institute, 2001), xxiv + 390 Pgs.

1- LGI (Local Government Initiative)

2- Good governance

(سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای اروپایی و آمریکا) برای حفظ صلح و ثبات، باعث شده تا همگان تصدیق کنند که مطالبات اقلیت‌ها و قومیت‌ها از میان رفتنی نیست و باید پاسخی در خور به آن داده شود. لذا با دخالت سازمان‌ها و کشورهای تحرک درونی این کشورها، کشورهای کمونیست سابق اشکال گوناگونی از چارچوبه‌های حقوقی و نهادی را برقرار کرده‌اند تا از حقوق اقلیت‌ها حراست و حمایت کنند. اما به مرور زمان مشخص شد که رویکردهای حق بنیاد^۲ برای ادغام و جذب و حفظ حقوق اقلیت‌ها کافی نیست. لذا دستور کار، عبارت است از ایجاد سیستم‌های مشارکتی حکومت^۳ که توان پاسخگویی به مسائل منطقه پرتنوع و چندقومی^۴ مزبور را داشته باشد و بدین ترتیب، تأسیس سیستم‌های جامع و شامل^۵ حکومت محلی گام نخست برای سیستم‌های مشارکتی شناخته شده است؛ زیرا که عمده حقوق اقلیت‌ها و سیاست‌های

عمومی نامیده می‌شود. کتاب فوق مجموعه‌یی از نتایج پژوهش‌های محققان این مؤسسه است که در دو بخش فراهم آمده است.

بعد از فهرست نویسندگان و جداول و فهرست مطالعات موردی، کتاب با مقدمه ویراستاران و گردآورندگان آغاز می‌شود که عنوان را نیز با خود دارد: تنوع در عمل؛ مدیریت حکومت محلی در جوامع چند قومی (ص ۱۹). به نظر ویراستاران، استقرار نهادهای سیاسی جدید و اصلاح مدیریت دولتی، مسائل کلیدی فرآیند گذار در کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق است. در فرآیند مذکور، اقلیت‌ها خواستار حفظ و حراست از حقوق خویش و مشارکت در دولت‌سازی دموکراتیک شده‌اند و مدعی‌اند که حضور آنها در دولت اجماعی^۱ که شامل همه گروه‌ها باشد، حافظ و باعث ثبات خواهد بود و ثبات شرط لازم برای گذار به اقتصاد بازار و حاکمیت قانون است. از آن‌جا که در منطقه مذکور شاهد پیشینه کمونیستی و ناسیونالیستی بوده‌ایم که درمقابل آن مخالفت‌ها و مقاومت‌های متنوع صورت گرفته است، اما فشارهای بین‌المللی

1- Consensual 2- Right - based

3- Governance 4- Multi - ethnic

5- Inclusive

ناسیونالیست افراطی (که نمونه حاد و بارز آن رامی توان در مورد ناحیه کوزوو و پیشتر در مسأله بوسنی و هرزگوین مشاهده نمود) در فقدان نظارت بین‌المللی و فشار خارجی، حاضر به اعطای حقوق به اقلیت‌ها و قومیت‌ها و پذیرش مشارکت آنان در عرصه‌های گوناگون نمی‌شوند. نمونه کشورهایایی که تنها تحت فشارهای خارجی حاضر به پذیرش (حداقل بخشی از) حقوق قومیت‌ها و اقلیت‌ها شده‌اند، کم نیست (می‌توان در اروپای شرقی به مورد بلغارستان، مولداوی و یوگسلاوی اشاره نمود). اما از سوی دیگر مداخله و فشار خارجی سوءظن حکومت‌های مرکزی را بر می‌انگیزد و موجب فشار بر آنان و سرکوبی مضاعف می‌گردد. بخش اول کتاب متشکل از سه مقاله و سه ضمیمه است که محققین به تمهید اساسی تئوریک بخش دوم می‌پردازند، بخشی نیز اختصاص به مطالعات موردی در این منطقه دارد.

جرج شوفلین^۳ در نوشتار اول (اقلیت‌ها و دموکراسی) به بررسی مفاهیم کلیدی

چند قومی توسط مقامات محلی اعمال می‌گردد. از این‌رو در بیشتر این کشورها اختیارات بسیاری به مسئولین محلی اعطا و تفویض شده (صص XIX - XX). مشکلات زیادی هم بر سر راه رسیدن به اهداف فوق وجود داشته است. حکومت‌های مرکزی از یک سو نگران آنند که تمرکززدایی باعث تجزیه‌طلبی گردد و از سوی دیگر، حتی با فرض همکاری مسئولین حکومت مرکزی، مقامات و اولیای امور، در سطح محلی روحیه ناسیونالیستی (گاه شدیداً افراطی) مانع تحقق برنامه‌ها و اهداف اصلی شده است. بدین ترتیب فقط تفویض اختیارات تصمیم‌گیری^۱ کافی نیست تا حقوق اقلیت‌ها و قومیت‌ها محفوظ بماند، بلکه نظارت محلی و توجه بین‌المللی^۲ و نیز پی‌گیری حکومت مرکزی برای موفقیت این‌گونه برنامه‌ها لازم و ضروری است. (همانجا)

تردیدی نیست که در فقدان فشارهای خارجی و بین‌المللی، بسیاری از بحران‌های بلندمدت قومی تداوم نیافته و یا حل و فصل نمی‌شود و دخالت بین‌المللی و توجه قدرت‌ها به این مسائل، تأثیری دوگانه دارد. از یک سو بسیاری از حکومت‌های

1- Subsidiarity 2- Monitoring

3- George Schopflin

(سرزمین اجدادی)، از دیگر گروه‌ها متمایز و ممتاز می‌سازند. این امر نشان دهنده دشواری تعریف مفهوم قومیت است و اشاره به زمینه پروردگی^۵ آن دارد. روشن است که قومیت، تا حدود زیادی مفهومی مبهم است و تمیز و تمایز آن از مفاهیم نزدیک، بحث‌انگیز است. (۱) مثلاً برخی محققان در تمایز بین ملیت و قومیت مدعی شده‌اند که تفاوت آنها در قدرت داشتن ملیت و قدرت نداشتن قومیت نهفته است. (۲) کما اینکه در عالم زبان‌شناسی نیز گفته‌اند تفاوت لهجه و زبان در قدرت است یا زبان لهجه‌یی است که قدرت سیاسی و ارتش را در اختیار دارد.

شوفلین تمایز جالبی بین تنوع قومی^۶ و تنوع فرهنگی^۷ قابل می‌شود. به نظر او، ما در جوامع چندفرهنگی با مسأله افراد تازه اسکان یافته در یک کشور مواجه هستیم که

مبحث یا به عبارتی "تقریر محل نزاع" می‌پردازد. به نظر مؤلف، دموکراسی با قاعده رضایت افراد تحت حکومت، دموکراتیک می‌شود و واسطه ترجمه رضایت افراد تحت حکومت به نظام حکومتی، اصل حاکمیت مردمی است و بنابراین دستگاه‌هایی برای این انتقال رضایت لازم است (ص ۵). اما مؤلف تصدیق می‌کند که بین رضایت حکومت شونده‌گان و دموکراسی تمایز وجود دارد و صرفاً گزینش دموکراتیک حاکمان موجب دموکراتیک شدن حکومت نمی‌گردد، بلکه حکمرانی بر پایه اصول دموکراسی به محدود ساختن خویش^۱، تعهد، اعتدال، مصالحه و پاسخگویی،^۲ نیز احتیاج دارد. (ص ۶) اما ظاهراً مؤلف وجود و اهمیت فرهنگ مشارکتی و دموکراتیک را از یاد برده است، امری که برای توفیق دموکراسی حیاتی است. نویسنده در تبیین قومیت،^۳ آن را گروهی می‌خواند که خویشتن را به صورت جمعی صاحب وفاق و هویت تعریف می‌کنند و از گذشته و آینده خویش شناخت دارند و معانی و شبکه‌یی از ویژگی‌های اسطوره‌یی^۴ و سمبلیک را دارا می‌باشند. گروه‌های قومی خود را به اشکال متنوعی مانند زبان، دین و سرزمین

1- Self - limitation

2- Responsibility 3- Ethnicity

4- Mythic

5- Context depended

6- Multi - ethnicity

7- Multi - Culturalism

مسئله اصلی در آن، ادغام و پیوستن^۱ به جامعه میزبان است، یا به عبارت دیگر مسئله امری موقت است و مربوط به مهاجرانی می‌شود که از نقاط گوناگون آمده‌اند و گمان می‌رود در آینده در جامعه اصلی و مقصد مستحیل خواهند شد. در برخی جوامع مانند فرانسه این استحاله فرهنگی کامل^۲ است که شرط پذیرش مهاجران در جامعه میزبان می‌باشد. (ص ۱۰)

اما ایده جامعه چند قومی، استحاله کامل را مردود می‌داند و معتقد است که گروه‌های زبانی و فرهنگی متفاوت در کشوری واحد به سر خواهند برد و فرهنگ و زبان خویش را حفظ خواهند نمود. بنابراین راه حل‌ها و پیشنهادات و مطالبات این گروه‌ها متفاوت خواهد بود. به نظر مؤلف، اقلیت‌هایی که در طول زمان‌های دراز هویت تثبیت شده‌یی یافته‌اند مانند مجارهای رومانی و روس‌های لاتویا، بعید است که حاضر به از دست دادن هویت خویش شوند. (ص ۱۱) به نظر می‌رسد که این تخصیص واژگان، از سلیقه‌های شخصی مؤلف باشد، زیرا متفکران غربی چنین مسفهمی را از تنوع فرهنگی مُراد نمی‌کنند (۳) و اساساً با این شیوه، جامعه‌یی

مانند فرانسه چند فرهنگی محسوب نمی‌شود، زیرا تساهل فرهنگی و تساهل نسبت به مفاهیم اخلاقی و ارزشی را که از خصوصیات مکتب تنوع فرهنگی است، مردود می‌شمارد. نویسنده در ادامه با بررسی نقادانه مفاهیم دولت، شهروندی، مدرنیته، فروپاشی دولت، جامعه مدنی و پُست کمونیسم و ... نتیجه می‌گیرد که در خصوص روابط بین قومیت‌ها^۳ در اروپای شرقی علی‌رغم ناخشنودی‌ها و نارضایتی‌های آن، دستاوردهای مثبت و نیز چشم‌اندازهای مثبتی که نیازمند مذاکرات طولانی و طاقت‌فرساست وجود دارد که متأسفانه تمایل به آن کم و نامشهود است. (صص ۱۷ و ۱۸)

مقاله دوم (اصلاح اداره دولت: تصویری آمیخته) به مطالعه اصلاحات نهادین ده سال اخیر می‌پردازد. در بخش اول مقاله، اصلاحات نهادین و قانون اساسی مورد بحث قرار گرفته و مباحثه‌یی که در پیرامون دو نظام ریاستی و پارلمانی روی داده است مطرح می‌شود. بخش بعدی نیز بررسی

1- Integration 2- Acculturation

3- Inter - ethnic

چنین اقلیت‌هایی نباید نقی شود و این افراد باید بتوانند به همراه دیگر اعضای گروهشان، از فرهنگ خود برخوردار شوند، به مناسک مذهبی خود بپردازند و زبان خویش را بکار بگیرند.»

به نظر نویسنده، اشکال در ماده فوق در آنجاست که عبارت آغازین دولت‌ها را فرا می‌خواند تا وجود اقلیت‌ها را انکار نمایند، کما اینکه فرانسه این ماده را در مورد این کشور قابل اجرا ندانسته است. (ص ۲۵) و نیز به این نکته می‌توان توجه نمود که صرف مجاز شمردن وجود و فعالیت گروه‌های قومی و اقلیت‌ها نمی‌تواند موجبات حفظ و تداوم فرهنگی و قومی آنان را فراهم آورد، بلکه کمک و اقدامات مثبت دولتی و حکومتی نیز لازم است.

سند دوم، اعلامیه حقوق اقلیت‌های سازمان ملل است که در سال ۱۹۹۲ با اجماع مجمع عمومی این سازمان به تصویب رسید و مدعی است که میثاق فوق از ماده ۲۷ الهام می‌گیرد. تدوین‌کنندگان

نقادانه اصلاحات در ادارات دولتی و ساختارهای حکومتی و آموزش مسئولین دولتی می‌باشد. به نظر مؤلف، میراث رژیم گذشته که به انقیاد مسئولین دولتی در مقابل احزاب سیاسی انجامیده بود، مشکلاتی را برای اصلاحات فراهم کرده و نیز فقدان تداوم و قطب‌بندی سیاسی نیز خود از موانع توسعه اداری به‌شمار می‌رود. (صص ۳۶-۲۴) نویسنده معتقد است که تجربه اروپای شرقی در زمینه اصلاحات، آمیزه‌یی از دستاوردها و ناکامی‌ها می‌باشد.

مقاله سوم، «داستان بی‌پایان حقوق اقلیت‌ها» نام دارد. حقوق اقلیت‌ها مبحثی است که اخیراً توجه زیادی را به خود جلب کرده است و متفکران و محققان از جنبه‌های گوناگون فلسفی، حقوقی و سیاسی به آن پرداخته‌اند. (۴) پاتریک ترنبری^۱ در این مقاله رویکرد حقوقی را برگزیده و به کم و کیف نقاط قوت و ضعف چهار سند بین‌المللی در این زمینه پرداخته است: ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) از این قرار است:

«در کشورهایی که دارای اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی می‌باشند، حق اشخاص متعلق به

برای حمایت از زبان‌های اقلیت دانست و نه اقلیت‌های زبانی. (صص ۵۸ و ۵۹)

سند چهارم که بخش اصلی مقاله به‌شمار می‌رود، پیش‌نویس کنوانسیون^۳ حمایت از اقلیت‌های ملی که در شورای اروپا و از سال ۱۹۹۵ مشغول جمع‌آوری امضاست، می‌باشد. این کنوانسیون که به تصفیه و پروردن اسناد پیشین می‌پردازد، در پنجم بخش و ۳۲ ماده تنظیم شده است. (صص ۸۲-۷۵)

سند فوق حمایت از اقلیت‌ها و آزادی انسان را بخشی از حمایت بین‌المللی از حقوق بشر می‌داند (ماده ۱) و از طرف‌های امضاکننده می‌خواهد که ضامن برابری افراد در مقابل قانون بوده و مانع تبعیض آن شوند (ماده ۴)، ماده ۴، ماده ۴ هم نیز حق استفاده آزادانه از زبان اقلیت‌ها را به رسمیت می‌شناسد و آن را مکمل آزادی بیان مذکور در مواد ۷ و ۸ می‌داند.

در بند اول ماده ۱۱ استفاده از اسامی زبان اقلیت نیز مقرر شده است که در ماده ۱۲ اقداماتی برای آموزش و تحقیق در

اعلامیه فوق از ابعاد جمعی^۱ و فردی حقوق اقلیت‌ها آگاه بودند و به آن اشاره کرده‌اند و فراتر از ماده ۲۷ خواهان مشارکت اقلیت‌ها در حیات فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و عرصه عمومی شده‌اند. در ماده چهارم، از دولت‌ها خواسته می‌شود تا ابراز^۲ و پرورش آداب و سنن و فرهنگ اقلیت‌ها را "مگر در جاهایی که نقض معیارهای جهانی و حقوق بین‌الملل است" تسهیل نمایند. اعلامیه در مورد آموزش زبان مادری مغلق می‌باشد و در مورد حق تعیین سرنوشت ساکت است. (صص ۵۵ و ۵۶) این اعلامیه در حال و هوای اوایل دهه ۹۰ و توسط نمایندگان دولت‌ها به تصویب رسیده است بنابراین طبیعی است که نتایج چندانی نداشته باشد و به‌خصوص برای اقلیت‌ها نیز رضایت‌بخش نباشد، زیرا تأمین نظرات دولت‌ها سبب مبهم شدن و دو پهلو بودن آن شده است.

سند سوم، منشور زبان‌های منطقه‌ای یا اقلیت‌ها در شورای اروپاست. به‌طور کلی این سند به حقوق اقلیت‌ها نمی‌پردازد و تنها مقرراتی به نفع صاحبان زبان‌های اقلیت و منطقه‌یی وضع می‌کند که باید هدف آن را بیشتر تلاش در جهت ایجاد رژیم‌های مفصل

1- Collective 2- Expression

3- Framework Convention

اقدامات برای اجرای اصول کنوانسیون به دبیر کل ارائه می‌دهد. (ماده ۲۵)

به نظر مؤلف، علی‌رغم آنکه احتمالات و امکانات متعددی وجود دارد، اما اسناد و متون مربوط به حقوق اقلیت‌های معاصر بسیار شبیه به هم‌اند و عرصه موردنظر آنها محدود و بسیار کلی‌اند و همچنین اقلیت‌های بسیار متنوع را با دیدی مشابه می‌نگرند. این اسناد کمتر به شیوه‌های متفاوت می‌پردازند و تعاریف و عضویت گروه‌ها را در تنوعات ناچیزی قرار می‌دهند و با آنکه تعاریف رسمی و علمی وجود دارد، اما این اسناد از آنها می‌پرهیزند. یکی از دلایل آن است که حکومت‌ها حداقل در ایدئولوژی تمایل دارند تا کشوری همگون داشته باشند، (ص ۷۰) زیرا که اداره آن را آسان‌تر می‌پندارند. در هر حال این تدابیر می‌تواند به نوعی سطحی، بی‌ارج و مربوط به مسائل روبنایی فرهنگ و زبان جلوه کند و این امر نمایانگر تداوم مباحثه و تفکر درخصوص آشتی و سازش دادن آزادی اقلیت‌ها و حفظ اصالت^۱ آنان، با تمامیت و اقتدار دولت می‌باشد.

زمینه فزهننگ، تاریخ، زبان و مذهب اقلیت‌های ملی در نظر گرفته شده و از دولت‌ها خواسته می‌شود تا در این راه آموزش معلمان و ارائه کتب درسی را تسهیل نمایند. ماده ۱۴ مقرر می‌دارد که طرف‌های امضاکنندگان، حق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی را برای آموختن زبان خویش، برسمیت می‌شناسند و دولت‌ها را به حفظ آثار فرهنگی و تاریخی قومیت‌ها و اقلیت‌ها فرا می‌خواند. در بخش سوم کنوانسیون و در ماده ۲۰ آمده است که در اعمال حقوق و آزادی‌های ناشی از اصول موردنظر چارچوب حاضر، افراد متعلق به اقلیت‌ها و قومیت‌ها، باید به قوانین و مقررات (کشور) احترام بگذارند و در ماده ۲۱ مقرر شده که هیچ یک از مواد کنوانسیون مذکور نمی‌تواند در جهت مخالفت با اصول بنیادین حقوق بین‌المللی، تمامیت ارضی، برابری حاکمیت و استقلال سیاسی دولت‌ها تفسیر گردد.

براساس ماده ۲۴، کمیتهٔ وزرای شورای اروپا بر اجرای این کنوانسیون توسط متعاهدین نظارت می‌کند. در دوره یک سال بعد از ورود در نیروی کنوانسیون پیشنهادی، طرف متعهد اطلاعات کامل وارد شده را در مورد مسائل مربوط به قوانین و دیگر

می‌پردازد. به نظر نویسنده مقاومت زیادی در مقابل تغییر نگرش‌ها، نهادها و ساختارها مشاهده می‌شود و به این دلیل تبعیض و نژادپرستی در این کشور مشهود است. او توصیه می‌کند تا به:

الف) اقدامات ضد تبعیضی

ب) ایجاد و اجرای قوانین و سیاست‌های برابر

ج) برقراری و تقویت آموزش و پرورش چند قومی

د) تمهیدات آموزش برای دانش‌آموزان اقلیت‌ها، پرداخته شود. (ص ۱۶۳)

البته در چک به‌ویژه در مورد اقلیت نسبتاً بزرگ کولی نگرش‌های منفی توده مردم و مقامات محلی را باید عامل اصلی عدم توفیق دانست، زیرا افراد تأثیرگذاری مانند پریزدنت واسلاو هاول نیز برای بهبود اوضاع آنان تلاش کرده‌اند. (۵) اما توفیق زیادی نیافتند.

ینو کالتنباخ^۵ در نوشتار بعدی (از روی

بخش دوم کتاب به مطالعات موردی می‌پردازد و حاوی هفت نوشتار است. در مقاله اول (سیاست‌های چند قومی جدید در بلغارستان: رویکردی محلی - مرکزی) النا گیوروا^۱ به بررسی وضعیت حقوقی، سیاسی و مدنی اقلیت‌ها و ابعاد محلی و منطقه‌ی مسائل آنها در این کشور می‌پردازد. به نظر نویسنده، بلغارستان در ده سال اخیر الگوی موفق برای همزیستی قومی ارائه کرده است. در این کشور یک ارگان مشورتی حکومتی پیرامون مسائل قومیت‌ها ایجاد شده است که شعباتی در مناطق مختلف دارد و در سطوح مختلف گرایش به همکاری بین مقامات حکومتی و سازمان‌های غیرحکومتی^۲ به وجود آمده است. اما گذار به اقتصاد بازار تأثیرات نامتوازنی بر اقلیت کولی رومانی^۳ و ترک‌ها و مسلمان بلغار داشته است که این امر و مشکلات اقتصادی ناشی از آن باعث نگرش منفی قومی و رویکرد تبعیض‌آمیز علیه اقلیت‌ها به‌ویژه کولیان شده است. (صص ۱۲۷-۹۹)

در مقاله دوم (داستان همگونی قومی: اقلیت‌ها در جمهوری چک) لائورا لائوبوا^۴ به بررسی روابط بین قومی در جمهوری چک و مظاهر آن در سطوح محلی و مرکزی

1- Elena Gyurova

2- NGOs 3- Roma

4- Laura Laubeova

5- Yeno Kaltenbach

اقلیت‌ها وجود دارد اما هنوز قانون ضد تبعیض در این کشور وجود ندارد. تمرکززدایی در حکومت، فرصت‌های بیشتری برای مشارکت اقلیت‌ها در ارگان‌های حکومت محلی فراهم آورده است و یافتن شیوه‌هایی برای مدیریت محلی جوامع چند قومی برای توفیق تجربه این کشور ضروری است. نکته دیگر، تصویب مجموعه قوانین منسجم در مورد حقوق اقلیت‌هاست که می‌تواند در موفقیت برنامه‌های قومی و اقلیتی این کشور اهمیت حیاتی داشته باشد. (صص ۲۳۲-۲۰۷)

فشار خارجی بین‌المللی نیز در بهبود اوضاع اقلیت‌های این کشور بی‌تأثیر نبوده و نیست. ایستوان هوروات و الکساندرا سکاکو^۲ در نوشته‌شان تحت عنوان "از دولت واحد به متکثر"، تنظیم سیاست قومی در رومانی و اقلیت‌های قومی در این کشور را به سه دسته تقسیم می‌کند: اقلیت مجار، اقلیت کولی و گروه‌های اقلیت کوچکتر. هدف مؤلفین نشان دادن این امر است که اوضاع اقلیت‌های گوناگون را نباید با یکدیگر و

کاغذ تا عمل در مجارستان: حراست و مشارکت اقلیت‌ها در اداره کشور) به بررسی حقوقی اوضاع اقلیت‌ها و قومیت‌ها در مجارستان می‌پردازد. به نظر نویسنده سیستم خودگردانی نیمه محلی^۱ که در نوع خود منحصر به فرد است، نه تنها در احیای جوامع اقلیت مؤثر بوده بلکه این امر حتی در میان اقلیت‌های این کشور آغاز شده و نظام حقوقی که حافظ این امر باشد، نقش بسیار مهمی را در این فرآیند داشته است. اینک قوانین و مقررات با حضور نمایندگان اقلیت‌ها در پارلمان فراهم آمده و خودگردانی فرهنگی برای گروه‌های اقلیت آغاز شده است. مبارزه دولت با تبعیض و جلوگیری از خشونت علیه اقلیت کولی نیز تا حدود زیادی موفقیت‌آمیز بوده است. (صص ۱۹۸-۱۷۳)

"برابری در قانون، حمایت در عمل: قانون و رویه در مورد اقلیت‌ها در لهستان"، عنوان مقاله دیگر کتاب است. به نظر مؤلفان، تحولات سیستمی که در دهه اخیر در این کشور روی داده است، از نظر اقتصادی اوضاع اقلیت‌ها را، به استثنای اقلیت آلمانی، تحت تأثیر قرار داده است و با آنکه پیشرفت‌هایی در حمایت از حقوق

1- Half - Municipal Autonomy

2- Istvan Horvath & Alexandra Scacco)

متعدد برآمدند. به عنوان نمونه تحصیل و سخن گفتن به زبان مجاری، با تصویب قانون زبان، با دشواری‌های عظیمی مواجه شد. طراحی مجدد حوزه‌های انتخابیه با قصد تضعیف^۲ اقلیت‌ها سبب کاهش حضورشان تا حدود یک دهم میزان واقعی شد. (۶) به نظر جان بوچک^۳ وضعیت اقلیت کولی بدتر از مجارها بوده و موفقیت در سطح محلی بیش از سطح حکومت مرکزی بوده است. (صص ۲۷۵-۳۰۶)

فشارهای بین‌المللی، به ویژه از جانب شورای اروپا باعث شد که اسلواکی از این رویه دست بردارد و شکست ناسیونالیست‌ها در انتخابات ۱۹۹۸ سبب تقویت وضعیت اقلیت‌های قومی در این کشور شده است. (۷)

مقاله پایانی، به وضعیت مسائل قومی در اکراین اختصاص دارد، که حسن آن نیز پرداختن به مسائل اقوامی (نظیر تاتارها، کارایم‌ها و ...) است که کمتر محل بحث بوده‌اند. در اکراین به دلیل حضور همسایه قدرتمند و حامی اقلیت بزرگ روس، این

همانند هم دانست و بررسی کرد. زیرا این سه گروه، کاملاً خصوصیات متمایزی دارند و جذب آنان^۱ در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی درجات متعددی دارد. این گروه‌ها نیز خواسته‌ها و احتیاجات متنوعی دارند. به نظر نویسندگان عدم توجه به این نکته باعث کم اثر شدن سیاست‌های دولت رومانی خواهد بود. (صص ۲۶۹-۲۴۳)

حضور اقلیت‌ها در عرصه قدرت و حکومت نیز اندک است (هم از سطح محلی و هم در سطح حکومت مرکزی) و در راه حل مسائل مربوط به زبان اقلیت‌ها، رومانی در ابتدای راه قرار دارد. ایده توجه به علایق جداگانه و خواسته‌های متفاوت گروه‌های قومی، نکته آموختنی و ارزشمندی است که حاصل این مطالعه می‌باشد.

فروپاشی بلوک شرق و حکومت‌های کمونیستی سبب شعله‌ور شدن آتش احساسات ناسیونالیستی در بسیاری از این کشورها شده است. در اسلواکی که در مقاله بعدی کتاب بررسی می‌شود، ناسیونالیست‌ها در پی از میان بردن حقوق موجود اقلیت‌ها، به ویژه اقلیت بزرگ مجار (اسلواک‌ها همواره از اعاده‌گری مجار نگران‌اند)، به تضعیف آنان در عرصه‌های

1- Integration 2- Gerry mandering

3- Jan Bucek

ارزشمند می‌باشد و رویکرد آن اساساً حقوقی است و شامل مطالعات موردی غنی می‌باشد که مباحث را از حالت ذهنی صرف خارج می‌سازد. اما احتمالاً به دلیل اقتضای کتاب، نویسندگان به دینامیسم تحولات و بررسی‌های کلی‌تر نپرداخته‌اند. به عبارت، دیگر هدف آنان عمدتاً عملی است و مطالعات نظری نیز معطوف به ابعاد حقوقی آن است. روشن است که بسا رویکردهای گوناگونی از جامعه‌شناسی گرفته تا فلسفه می‌توان به مسائل اقلیت‌ها و قومیت‌ها پرداخت و نباید فراموش کرد که رویکرد حقوقی ابعاد عملی ملموس‌تری دارد. اما احتمالاً به دلیل اقتضای حجم کتاب، به همه کشورها و اقلیت‌های منطقه پرداخته نشده است.

محمدعلی قاسمی

اقلیت توان زیادی برای حضور در عرصه سیاست داشته است اما دولت اکراین نیز کوشیده است تا از زیر فشار فکری و فرهنگی روس‌ها رها شده و بتواند موفق به ایجاد کشوری مستقل با ملتی صاحب هویت شود. (صص ۳۴۶-۳۰۹)

آینده قومیت‌ها در اکراین تا حدود زیادی بستگی به شیوه روابط این کشور با روسیه دارد و از سوی دیگر اکراین نیز از نظر ناسیونالیست‌های روس (در داخل روسیه یا اکراین) حائز اهمیت فراوانی است و پیش از مابقی روس‌های خارج مورد توجه قرار می‌گیرد. دولت اکراین برای متوازن کردن وضعیت اقلیت‌ها و استقلال کشور به اقلیت‌های دیگر اهمیت و آزادی عمل بیشتری داده است. (۸)

در مجموع، این کتاب به دلیل دسترسی محققان به اسناد و منابع دست اول، غنی و

منابع و یادداشت‌ها:

- Will Kymlicka, *Multi - Cultural Citizenship* (Oxford: Oxford university press, 1995)
- ۴- در این زمینه غیر از اثر فوق از کیملیکا اثر زیر نیز قابل توجه است:
- Will Kymlicka (ed.). *The Rights of Minority Cultures* (Oxford: Oxford University press, 1995)
- ۵- در مورد اقلیت بزرگ کولیان در اروپا (به ویژه اروپای شرقی) نوشته‌ها و تحقیقات بسیاری منتشر شده است، نوشتار جانان فاکس یک جمع‌بندی کلی از اوضاع این قومیت را ارائه می‌دهد:
- Jonathan Fox and Betty Brown, *The Roma in the Post - Communist Era*, in: Ted Robert Gurr, Ibid, Chap. 5, Sketch 3.
- ۶ و ۷ - برای آشنایی با فراز و نشیب وضعیت اقلیت مجار در اسلواکی رجوع کنید به:
- Beata Kovacs Nas, *Nationalism is the last stage of Communism*, in: Ted Robert Gurr, Ibid.
- ۸- در مورد اقلیت روس در اوکراین رجوع کنید به:
- Marion Reectenwald, *The Russian Minority in Ukraine*, in: Ted Robert Gurr, Ibid.

۱- در مورد ماهیت قومیت نیز توافقی وجود ندارد ولی اجمالاً سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاه Primordialism که قومیت را عنصری ذاتی و پایدارتر از دیگر نهادها نظیر دولت می‌داند. دیدگاه ابزارگری Instrumentalism که قومیت را عنصری کاملاً قابل تغییر می‌داند که نخبگان برای اهداف خویش جعل می‌کنند (دیدگاه مارکسیست‌ها از این نوع است) و دیدگاه Constructivism که قومیت را خصوصیتی پایدار لیکن ساخته اجتماع و احتمالی (Contingent) می‌داند. تد رابرت گر، از محققین به نام قومیت، از طرفداران این دیدگاه است.

- Ted Robert Gurr, *Peoples versus states* (Washington: United States Institute for peace Research, 2000), chap. 1.

2- John Edwards, *Language, Society and Identity* (Oxford: Basil Blackwell, 1985), P. 5.

۳- برای مثال مراجعه شود به کار زیر از ویل کیملیکا فیلسوف برجسته کانادایی:



ثروءشكاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی